سخنرانی نماینده سازمان در کمیته علمی و فنی کوپوس

نشست سال ۲۰۲۲ کمیته استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو در سازمان ملل (کوپوس) با حضور و سخنرانی نماینده صداوسیما از اداره کل فناوری فضایی و ماهواره‌ای برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، در این دوره از نشست‌ها به عنوان پنجاه‌ونهمین نشست کمیته علمی و فنی، همچون نشست پنجاه و هشتم، پیگیری مواضع جمهوری اسلامی ایران در خصوص دسترسی عادلانه به مدار ماهواره‌ای GSO به سازمان صدا و سیما محول شد.

بر این اساس رضا نادری جهرمی، مدیر هماهنگی‌های فنی و فضایی اداره کل فناوری فضایی و ماهواره‌ای در معاونت توسعه و فناوری رسانه ضمن حضور در نشست و بیان مواضع کشور، پیشنهاداتی را در زمینه لزوم بهبود وضعیت دسترسی کشورهای در حال توسعه به مدار GSO ارائه کرد.

نشست کمیته حقوقی کوپوس نیز در فروردین ۱۴۰۱ برگزار خواهد شد.



حضور در کاراکتر طنز برایم پیش نمی‌آید ولی این اتفاق افتاد و من در کمدی باقی ماندم و سال‌ها در همین فضا به فعالیتم ادامه دادم.

به خصوص که بازی‌تان همواره یک اجرای پراکت بیرونی بود!

تیتر روزنامه‌های آن سال‌ها را فراموش نمی‌کنم، نوشته بودند بازیگر گل درشت سریال مهران مدیری (خنده)، بله، این مسیر مرا به سمت بازی‌های پر اکت و بیرونی برده بود. اما وقتی برای سریال سرباز با من تماس گرفته شد فکر کردم قرار است در موقعیت دشواری قرار بگیرم که احتمالا به سختی می‌توانم از پس آن برآیم. به‌هرحال جنس کارگردانی هادی مقدم دوست را می‌شناختیم و شخصیتی راکه قرار بود بازی کنم هم شخصیتی پیچیده و پر از جزئیات بود که طبیعتا اجرای آن برایم بسیار سخت بود. مثلا سر صحنه‌ها گاهی اوقات مقدم دوست می‌گفت خانم عبدالرزاقی این صحنه را خوب بازی کردی اما لطفا اکت‌هایت را ۱۱ درصد کن. وقتی آن کار را می‌کردم می‌گفت خیلی خوب بود اما حالا ۹۰ درصد از آن ۱۱ درصد را هم کم کن! خب، این مدل، چالش بزرگی برایم بود. البته در ادامه مسیر توانستیم به همفکری برسیم و برای من تجربه دلپذیری بود که ببینم می‌توانم یک بازی رئال بدون اکت‌های اگزجره بیرونی و کاملا طبیعی داشته باشم.

و از این تجربه راضی بودید؟

تجربه تماشاگرپسندی نبود اما برای من تجربه بسیار خوبی بود. چه به لحاظ بازی و چه ایده‌های کارگردانی ولی مخاطب خاصی داشت.

شاید کم اقبالی مخاطب به خاطر زمان نامناسب پخش آن بود.

بله کاملا با شما موافقم. در مجموع از آن تجربه هم بسیار لذت بردم و راضی بودم.

و برسیم به کار جدید جدی‌تان.

راستش را بخواهید من از این نقش ترس داشتم. ببینید شما می‌توانید به نقش هیچ چیزی را اضافه نکنید و مخاطب هم توقع خاصی از تو ندارد، ولی ترس اصلی من از این بود که این کاراکتر هم شبیه نقشم در سریال سرباز بشود چون هردو جدی بودند و رئال و داستان هم اجتماعی بود.

خصوصا که زمان پخش آنها هم به هم نزدیک بود.

دقیقا و مخاطب هم آن سریال را کاملا به یاد دارد، این را هم بگویم که نمی‌دانم چرا می‌گفتند این سریال مخاطب ندارد، اما همه دارند این دو را با هم مقایسه می‌کنند. خب اگر کسی نمی‌دید چه طور دارد با همان نقش مقایسه می‌شود؟! اما به هر حال ما توی این ماه‌ها در تعامل با آذربایجانی به یک فهم مشترکی رسیدیم و امیدوارم کدهایی که آذربایجانی درباره این نشان می‌دهد را درست دریافته باشم و امیدوارم مخاطب هم راضی باشد، چراکه من واقعا صد در صد توانم را برای این نقش گذاشتم و با تمام توان در این نقش بازی کردم.

یکی از چالش‌های جدی شما و خانم شیرازی در این سریال اختلاف سنی واقعیت آن با نقشتان است. چطور شد پذیرفتید که نقشی را بازی کنید که سال‌ها کوچک‌تر از خودتان است؟

یک چیزی بگویم. من وقتی ۱۸ ساله بودم تست بازیگری دادم برای نقش یک دانشجو اما پذیرفته نشدم. به این دلیل که می‌گفتند رفتار او شبیه استادهای دانشگاه است نه دانشجوها! یعنی آن موقع هم به نقش دانشجویان نمی‌خوردم چه برسد به الان! اما بحثی که از ابتدا در گروه تولید شکل گرفته بود این بود که ما بتوانیم درانتخاب بازیگران طوری عمل کنیم که هم بتوانند بیست و چند ساله خود را بازی کنند و هم شصت و چند ساله را. برای همین هم حد وسطی را انتخاب کردند که از پس هر دوی اینها بربیاید. البته شاید بهتر بود که در داستان چیزی می‌دیدیم که گویی ما دیرتر از حد معمول وارد دانشگاه شده‌ایم و این داستان و شخصیت‌های ما را باورپذیرتر می‌کرد ولی با همه این تفاسیر این چالش ترسناک بود، از همین جهت که مخاطب الیکا را یک دختر بیست و چند ساله نپذیرد و در برابر او مقاومت کند یعنی اصلا کار به بررسی بازی‌مان نرسید و همان ابتدا به خاطر تطابق نداشتن سن‌مان برای پذیرش آن مقاومت می‌کردند و اصلا کاری به بازی ما نداشتند. درحالی‌که در کارهای کمدی می‌شود چنین قراردادی را با مخاطب گذاشت و مخاطب هم به خاطر فانتزی بودن و کمدی بودن فضا آن را می‌پذیرد. اما در کارهای رئال این‌چنین نیست و به همین خاطر به سختی با این چیزها کنار می‌آید.

آثار مرحوم بهبهانی‌نیا به نوعی سهل و ممتنع بود که داستان‌پردازی‌های عجیب و غریبی نداشت، اما در عین حال مخاطب پسند بود. شما داستان این سریال را چطور دیدید؟

زنده‌یاد بهبهانی‌نیا بدون آن‌که تلاش عجیب و غریبی برای متفاوت کردن قصه داشته باشد، یک روند قصه‌گویی ساده و شیرین دارد. به نظرم او خیلی راحت و شیرین داستان می‌گفت و برای همین هم مردم داستان‌های او را دوست می‌داشتند و همین الان هم با سؤالاتی طرفم که معلوم است مردم داستان را به‌طور کامل دنبال می‌کنند. ما در این داستان یک بدمن کامل واقعی داریم و نویسنده سعی نکرده این بدمن را خاکستری تصویر کند. اتفاقا این صراحت، تکلیف مخاطب را روشن می‌کند و مخاطب هم در داستان او را می‌پذیرد و از دستش حرص می‌خورد. این موفقیت داستان است که توانسته شخصیت منفی خود را باورپذیر به مخاطب ارائه کند. این ممکن است برای من بازیگر که آثار روز سینمای دنیا را پیگیری می‌کنم امتیاز منفی باشد که شخصیت رو است و خاکستری نیست و پیچیدگی عجیب وغریب داستانی ندارد اما می‌بینیم که مردم و مخاطبان این مدل داستان‌گویی را دوست دارد و نمی‌شود آن را کتمان کرد.

یعنی به نظرتان بعضی از داستان‌نویس‌های امروز تظاهر به متفاوت بودن می‌کنند؟

راستش را بخواهید بله. تلاش برای متفاوت بودن که از سر نشناختن سلیقه مخاطب معمولی و مردم جامعه شکل می‌گیرد، اما مرحوم بهبهانی‌نیا و امثال او جامعه را می‌شناختند و فرهنگ و علائق و سلیقه مردمشان را به‌خوبی دریافته بودند، قهرمان و ضدقهرمان مورد علاقه مردم را می‌شناختند و می‌دانستند که مردم ایران رک‌گویی و روایت مستقیم او را دوست دارند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. ولی ما به‌جای آن‌که متناسب با مردم، مانند داستان بگوییم رو آورده‌ایم به روایت‌ها و داستان‌گویی‌های عجیب و شخصیت‌هایی که آن‌قدر متفاوت هستند که مخاطب آنها را نمی‌شناسد. برای همین معتقدم اگر هم قرار است ارتقای فنی و حتی فرهنگی اجتماعی شکل بگیرد از طریق داستان‌هایی است که امسال مرحوم بهبهانی‌نیا به نگارش درمی‌آورد، چرا که آنها مردمشان را به‌خوبی شناخته بودند. راستش ما الان با داستان‌ها و شخصیت‌هایی طرف هستیم که ایرانی نیستند و بیشتر فرنگی هستند و طبیعی است که مخاطب ایرانی آنها را نپذیرد.

> استنباط من این است که اتاق فکرهایی که درباره مسائل تلویزیون تصمیم‌گیری می‌کنند، بیش از این‌که جنس هنری باشند مدیریتی هستند و جای هنرمندان در این عرصه‌های تصمیم‌گیری خالی است

شاید نمونه کامل موضوع که شما می‌گویید سریال قورباغه باشد که هرچند به لحاظ تولید و کارگردانی و بازی‌ها درجه یک بود اما یک مخاطب کاملا خاص داشت و تبدیل به جریان اجتماعی نشد.

در سریال قورباغه من یک سحر دولتشاهی می‌بینم که فوق‌العاده است و اجرای بی‌نقصش جای تردید ندارد اما قصه را نمی‌شناختم و درکش نمی‌کردم. ببینید خوب است که داستان‌ها و قصه‌های این‌چنین داشته باشیم اما احساس می‌کنم کاش کمی هم نبض جامعه در دستمان باشد و برای مردم خودمان کار بسازیم.

خوب حالا دیگر ما با یک الیکا عبدالرزاقی طرف هستیم که علاوه بر تجربیات جدید طنز حالا دیگر چند نقش مهم رئال هم بازی کرده. قرار است در ادامه مسیر به کدام سمت بروید؟ رئال را ادامه بدهید یا به طنز برگردید؟

اگر بگویم جفتش را دوست دارم خیلی بد است؟ (خنده) اول بگویم که دلم برای کار طنز بسیار تنگ شده. چراکه من ذهنی فانتزی دارم و حتی در همین سریال خودمان هم به پوریا آذربایجانی می‌گویم که بیا پارودی این سکانس‌ها را هم بسازیم اما در فضای جدیدی هم هر چند تازه کار به‌حساب می‌آیم اما دوست دارم بیشتر کشف کنم و اتفاقات تازه‌تری را تجربه کنم و راستش اگر قرار بر انتخاب باشد دومی را ترجیح می‌دهم.

الان فصل تغییر و تحول در رسانه ملی است و صحبت‌هایی جدی از تغییرات در رویکردهای تلویزیون وجود دارد. شما به‌عنوان یک بازیگر که تجربیات متعددی در فضای تلویزیون داشتید به نظرتان چه تغییری می‌تواند سریال سازی تلویزیون را به دوران اوج نزدیک کند؟

استنباط من این است که اتاق فکرهایی که درباره مسائل تلویزیون تصمیم‌گیری می‌کنند، بیش از این‌که جنس هنری باشند مدیریتی هستند و جای هنرمندان در این عرصه‌های تصمیم‌گیری خالی است. راستش را بخواهید مردم، همه ما را از بازیگری که جلوی دوربین است تا رئیس سازمان صداوسیما را یک خانواده می‌دانند. اما در واقعیت ما چنین همبستگی را شاهد نیستیم. درحالی که باید این پیوند وجود داشته باشد و این موضوع دارد به تلویزیون لطمه میزند. ما بچه‌های تلویزیون، بچه‌های صداوسیما هستیم. کاش بزرگ‌ترهای ما که سال‌ها تجربه دارند در این اتاق فکر حضور پیدا کنند. مثلا چرا نباید امثال استاد علی نصیریان در چنین جایگاه‌هایی حضور داشته باشند؟ ما نیاز داریم تصمیم‌گیران این حوزه علاوه بر این‌که نگاه‌های کلان مدیریتی را می‌شناسند شناخت کاملی نسبت به هنر و هنرمندان هم داشته باشند و این می‌تواند کمک‌های جدی به تلویزیون بکند.

ایفای نقش سیمین جزئیات زیادی به همراه داشت



راستش وقتی‌که مردم من را سیمین خطاب می‌کنند، می‌فهمم مردم پذیرفته‌اند و انگارنه‌انگار که من همان بازیگری هستم که ویدئوهای طنز او را در فضای مجازی برای هم ارسال می‌کنند. این یک موفقیت برای من است، اما راستش دوست دارم مخاطبان تلاش ما را برای یک بازی متفاوت ببینند و به ظرافت‌های ما در بازی هم دقت کنند. بازی در چنین نقش‌هایی ریزه‌کاری زیادی دارد و ما برای این جزئیات تمرکز و تلاش زیادی داریم. دوست داریم مردم هم آن را ببینند و بدانند که تلاش می‌کنیم بهترین اجرایمان را به مخاطب ارائه بدهیم.







خاطره دزدی

استندآپ کمدین: هانا ستوهی

چه گفت؟ ستوهی آخرین اجراکننده بود که روی صحنه آمد. او این‌بار استندآپ خود را حول محور موضوع دزدی پیش برد و خاطره آمدن دزد به خانه‌شان را با بیانی طنز تعریف کرد که درنهایت نقدی به فضای بورس و آسیب‌های آن هم داشت. رامبد جوان اجرای او را همچون سوارشدن بر رولر کوستر پر فراز و فرود توصیف کرد. ژوله خواست که ستوهی در اجراهای بعدی‌اش از فضای خاطره‌گویی دور شود و نوع دیگری از استندآپ را تجربه کند. معجونی بیان کرد او یکی از بهترین شرکت‌کنندگان است که متنی منسجم و با نقطه شروع و پایان‌بندی حساب شده را در این مرحله روی صحنه برد.

کدرای: #۳۶۰*۷۸۰*

ردسرهای بی‌پولی

ن: محمدحسین توسلی

ن اجرای شب دوم مرحله نیمه‌نهایی به نام توسلی ستندآپش درباره مصائب بی‌پولی در حوزه‌های ج، درمان و... گفت. اجرای او گرم بود و با

او برکارش تعریف کردند و لحنش چه بهتر لحظات کمدی در کارش را

از میان این چهار نفر، هانا ستوهی و علی غریب با رای‌های مردمی به نیمه‌نهایی رسیده بودند و نیما سهرابی و محمدحسین توسلی هم توانستند با جلب‌نظر داوران مستقیم صعود کنند

چه خبر؟

روز مهندس همراه با رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ در برنامه «صبح به وقت فرهنگ» امروز با نگاهی به زندگی خواجه نصیرالدین طوسی روز مهندس را گرامی می‌دارد.

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، مجله صبحگاهی صبح به وقت فرهنگ کاری از گروه جامعه رادیو فرهنگ است که به موضوعات روز می‌پردازد و این برنامه پنجشنبه به گرامیداشت روز مهندس اختصاص دارد. گفتنی است، روز مهندس در تقویم رسمی ایران روز پنجم اسفندماه است. این روز به یاد دانشمند بزرگ ایرانی خواجه نصیرالدین طوسی به ثبت رسید. برنامه صبح به وقت فرهنگ هر روز ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه تا ۷ و ۵۵ دقیقه از رادیو فرهنگ روی موج اف‌ام ردیف ۱۰۶ مگاهرتز از رادیو فرهنگ پخش می‌شود.

قصه عاشقی قصاب خان در «کوی نشاط»

قصاب خان در مجموعه طنز خنده بازار «کوی نشاط» امروز عاشق خواهر قسمت خان لبوفروش محل می‌شود.

به گزارش جام‌جم، ندا حاجی اسماعیلی تهیه‌کننده کوی نشاط از اضافه شدن میثم رستگاری از بازیگران عرصه به این برنامه خبر داد.

وی با اعلام این خبر افزود: قصاب خان، عاشق خواهر قسمت خان لبو فروش محل می‌شود و داستان این عاشقی بسیار شاد و شنیدنی است.

وی ادامه داد: موضوع این هفته برنامه در مورد ترس است که سعی کردیم در آیتم‌های نمایشی و ترانه‌ها به نحو شاد و جذابی به آن بپردازیم.

وی افزود: موضوع هفته آینده نیز کمک کردن است. علاقه مندان می‌توانند در قالب طنز پیام یا فایل صوتی و تصویری خود را به شماره ۰۹۹۰۴۰۵۵۵۹۰ فضای مجازی رادیو ایران و صفحه koyneshat@ ارسال کنند.

کوی نشاط به تهیه‌کنندگی ندا حاجی اسماعیلی و کارگردانی شاهرخ باقری نژاد و با اجرای ابوالفضل آقاخانی، پنجشنبه‌ها ساعت ۹ از رادیو ایران پخش می‌شود.

سری جدید «روی خط زندگی» به‌زودی مقابل دوربین

سری جدید مجموعه «روی خط زندگی» به‌زودی مقابل دوربین می‌رود.

به گزارش جام‌جم، مجموعه تلویزیونی «روی خط زندگی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی عبدالرضا فیروزان در ۳۸ قسمت ۲۰ دقیقه‌ای در گروه آموزش‌های رسمی شبکه آموزش سیما با مشارکت سازمان نهضت سوادآموزی تولید می‌شود. هشت قسمت از این مجموعه به مناسبت دهه فجر با رویکرد دستاوردها و عملکرد سازمان نهضت سوادآموزی طی ۴۳ سال بعد از انقلاب اسلامی با هدف از بین بردن بی‌سوادی در کشور و توسعه و تقویت فرهنگ عمومی جامعه و ارتقای سطح سواد، بهمن ماه امسال روی آنتن شبکه آموزش رفت.

ساختار روی خط زندگی ترکیبی از داستان و مستند است و عملکرد نهضت سوادآموزی را در تمام ابعاد به نمایش می‌گذارد.

علیرضا علیا، سیما مطلبی، شایا روان‌آذر، مانی فیروزان و... در این مجموعه بازی دارند.

در این مجموعه یک زوج فیلمساز و برنامه‌ساز (رضا و رعنا) سفارش ساخت و تهیه برنامه از سازمان نهضت سوادآموزی می‌گیرند و اقدامات و دستاوردهای این سازمان را در ۴۳ سال بعد از انقلاب بررسی و با مدیران، کارشناسان و... مصاحبه می‌کنند. در این بررسی‌ها رازی از زندگی رضا برای رعنا برملا می‌شود و.... همچنین در خلال روایت به مشکلات حرفه‌ای فیلمسازی و برنامه‌سازی پرداخته می‌شود. در سری جدید (فصل دوم) و ادامه مجموعه که ۳۰ قسمت دارد به یکی از رویکردها و عملکردهای مهم سازمان نهضت سوادآموزی که تاسیس مراکز یادگیری محلی و فعالیت در این مراکز مهم است، پرداخته می‌شود. قسمت‌های مستند مجموعه در چند استان در نقاط مرزی کشور در حال تصویربرداری است و قسمت‌های نمایشی در حال پیش تولید و انتخاب بازیگران است. در فصل دوم این مجموعه در هر قسمت علاوه بر بازیگران اصلی مجموعه تعداد زیادی از بازیگران تئاتر، سینما تلویزیون به‌عنوان بازیگران مهمان حضور دارند. این بار قصه در یک مرکز یادگیری محلی اتفاق می‌افتد که هر بار با توجه به موضوعات برنامه شاهد اتفاقاتی هستیم که با استفاده از مهارت‌های اساسی زندگی که به آن پرداخته می‌شود شاهد زندگی بهتری خواهیم بود.